

کرمان در گذر تاریخ - بخش سوم

ارگ بم؛ کامل‌ترین قلعه - شهر ایرانی

رضا حسینی

حاکم بوده است. کهن دژ یا بخش حاکم نشین ارگ بم بر فراز صخره‌ای در شمال ارگ جا دارد و متشکل از بناهایی مانند برج اصلی، چهارفصل، خانه حاکم، چاه آب، حمام، خانه رییس سربازخانه (ساختمان معروف به آسیاب بادی)، سربازخانه، دروازه (ساسانی) و برج و بارو است.

بخش دوم، شارستان نام دارد که در پای کهن دژ شکل می‌گرفته و با محله‌های کوچک و بزرگ و مکان‌هایی چون مسجد جامع و بازار جای زندگی اهالی شهر بوده است. شارستان نیز برج و بارو و خندق دارد و تنها از طریق دروازه‌ها می‌توان به درونش راه یافت. از شارستان ارگ بم بیشتر با عنوان بخش عامه‌نشین یاد شده است. مهمترین عناصر این بخش عبارت‌اند از دروازه ورودی، بنای سردروازه، راسته بازار، مسجد جامع، بنای زورخانه (مقبره)، ساباط و خانه جهودا، میدان تکیه، مسجد پیامبر (ص)، حمام، مدرسه (خانقاه)، اصطبل، بنای میراخور و محله‌های مسکونی.

بخش سوم یا رخص، بیرون شهر است. این بخش جایگاه باغ‌ها و نخلستان‌ها و زمین‌های کشاورزی بوده و جمعیت زیادی از کشاورزان در محله‌های آن زندگی می‌کرده‌اند. بنابراین حیات اقتصادی شهر وابسته به رخص بوده است.

همان‌گونه که گفته شد، این ساختار ریشه در جنگ‌ها و ناامنی‌هایی دارد که همواره شهرهای ایران را تهدید می‌کرده‌اند. اگر بیگانه‌ای به شهر یورش می‌برد، اهالی رخص به شارستان پناه می‌بردند و اگر شارستان تسخیر می‌شد، کهن دژ به مقاومت خویش ادامه می‌داد. در ارگ بم، بیشتر معابر تنگ و پیچ در پیچ‌اند و به بن بست‌ها ختم می‌شوند. این خود نوعی پدافند غیرعامل است که مهاجمان را هنگام ورود به شهر سردرگم می‌کند.

همچنین نقش عوامل طبیعی در شکل دهی به فضای شهر - قلعه بم قابل توجه است. نه فقط ارگ بم بلکه همه شهرهای تاریخی واقع در نواحی گرمسیر و سردسیر ایران، بافت شهری پیوسته و مترکم دارند. زیرا این وضع اثرات گرما و سرما را کاهش می‌دهد و از نفوذ بادهای آزاردهنده جلوگیری می‌کند. در این شهرها کوچه‌ها را به صورت مسقف (ساباط) ساخته‌اند و دیوارها را بلند گرفته‌اند تا رهگذران از تابش شدید آفتاب یا گزند برف و باران در



بم تا دوران سلطنت ناصرالدین شاه قاجار مسکونی بود، اما بر اثر افزایش جمعیت و کمبود فضا به تدریج خالی از سکنه شد و شهر فعلی بم کنار آن شکل گرفت. با این وجود سترگی این مجموعه در دوران قاجار چنان بود که آن را «قلعه خدای آفرین» می‌خواندند. متأسفانه پس از تخلیه ارگ بم، بخش بزرگی از ساختمان‌های خشتی آن خراب شد تا خاکشان برای غنی ساختن زمین‌های کشاورزی مورد استفاده قرار گیرد. اما ساختمان‌های اصلی ارگ از جمله مجموعه حاکم‌نشین و عناصری مانند مسجد جامع سالم ماندند.

قلعه - شهرهایی مثل ارگ بم به سه بخش تقسیم می‌شوند: هسته اصلی آن‌ها متشکل از قلعه یا کهن دژ است که بر سراسر شهر اشراف دارد و با برج و بارو و خندق از سایر بخش‌ها جدا می‌شود. این بخش جایگاه

هر چه بیشتر در ایران به گردش در آیم و هر چه بیشتر به شهرها و روستاهای کهن سفر کنیم، بیشتر به عمق ترسی که بر زندگی نیاکانمان سایه افکنده بود، پی می‌بریم. همسایگان ایران نمی‌توانستند از خاک این سرزمین پنهان و چشم‌طمع برگیرند. فقط نام‌ها عوض می‌شد: سکاها، مقدونی‌ها، ترکمانان، غزها، مغولان، ازبکان، عثمانی‌ها، روس‌ها و...

اما دست‌درازی بیگانگان تنها یک روی سکه نامنی در ایران است. حتی هنگامی که پشت مرزها خبری نبود، در این سوی مرز کشاکش سلسله جنابان قدرت یا تضاد میان یکجانشینان و شهبانکارگان، آتش بر خرمن آرامش مردمان می‌زد و ملوک‌الطوایفی مملکت، بسادی بود که بر این آتش می‌وزید. پس شگفت نیست که به هر کجای این سرزمین قدم گذاریم، آثار قلعه‌ها و حصارها را از سستیخ کوه تا پهنه دشت نمایان ببینیم.

این وضع به نوبه خود، موجب پدیداری نوعی از شهر در ایران شده است که از آن با عنوان «قلعه - شهر» یاد می‌کنند و ارگ بم در استان کرمان، کامل‌ترین نمونه از این نوع به شمار می‌رود. قدمت این اثر سترگ که تا پیش از زلزله مهیب سال ۱۳۸۲ سالم‌ترین قلعه - شهر ایرانی به شمار می‌آمد، تا هزاره اول پیش از میلاد به عقب بازمی‌گردد. ارگ

قدمت ارگ بم که تا پیش از زلزله مهیب سال ۱۳۸۲ سالم‌ترین قلعه - شهر ایرانی به شمار می‌آمد، تا هزاره اول پیش از میلاد به عقب بازمی‌گردد